

فرارو

برگزاری همایش بین‌المللی ترجمه قرآن کریم



همایش بین‌المللی ترجمه قرآن کریم برای نخستین بار در ایران به همت دانشگاه علامه طباطبایی و سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی از ۲۳ آذرماه آغاز شده و به مدت سه روز در این دانشگاه برگزار می‌شود. این همایش به دبیری دکتر حسین ملاظفر، رئیس گروه مترجمی زبان انگلیسی دانشگاه علامه طباطبایی است که در آن ترجمه قرآن کریم به هشت زبان دنیا معرفی و در نشست‌های تخصصی با شرکت مترجمان ۱۰ کشور بررسی می‌شود. برای سخنرانی و بیان نقطه‌نظرات کارشناسی شده در حوزه ترجمه قرآن، محققان و مترجمان خارجی کشورهای چین، آذربایجان، عراق، پاکستان، ترکیه، فرانسه، روسیه، اسپانیا و نیز کشور ما در این همایش حضور یافته‌اند؛ به منظور آشنایی این افراد با مجموعه مقالات مترجمان، به تهیه و گردآوری آثار مترجمان قرآن کریم پرداخته شده که این مهم در قالب دو نسخه به زبان‌های فارسی و لاتین چاپ و منتشر شده است.

بر اساس گفته دکتر ملاظفر، در این همایش ۷۰ موضوع مربوط به ترجمه آیات قرآن کریم مورد بررسی قرار می‌گیرد که از جمله این موضوعات می‌توان به محورهای متعددی از جمله آسیب‌شناسی و تاریخ ترجمه قرآن اشاره کرد. یکی از رویکردهای این همایش، واکاوی ترجمه‌های موجود قرآن در سطح جهان است.

پیشخوان

شاگردی یک ریاضیدان



- نویسنده: آندره ویل
- ترجمه مه‌ران اخباریفر
- نشر نی

آندره ویل، یکی از بزرگ‌ترین ریاضیدانان و شخصیت‌های ریاضی قرن بیستم و یکی از خالقان مکتب بورباکی در ریاضیات فرانسه، زندگینامه خود را چنین آغاز می‌کند: «زندگی من، یا دست‌کم بخشی از آنکه ارزش این نام را دارد محدود است به تولد در ششم مه ۱۹۰۶ و درگذشت همسر و هم‌راهم، اولین، در ۲۴ مه ۱۹۸۶». آندره ویل در این کتاب زندگی خود را از دوران کودکی تا پاپیر ۱۹۴۷ که به‌عنوان استاد به دانشگاه شیکاگو می‌رود و به قول خودش دوران شاگردی‌اش به پایان می‌رسد بیان می‌کند. گرچه می‌نویسد: «هی‌خواستم این خاطرات را با رسیدنم به بندر نیویورک در مارس ۱۹۴۱ به پایان برسانم، ولی دوران شاگردی‌ام به این زودی تمام نشده بود. چه می‌گویم؟ امروز هم هنوز در حال آموختنم می‌آموزم که با خاطراتم زندگی کنم». آندره ویل ضمن بازگویی فراز و نشیب‌های زندگی‌اش، در بسیاری لحظات خواننده را با عمیق‌ترین احساسات خود همراه می‌کند و در این سفر، خواننده را به قلب و ذهن خود راه می‌دهد.

و تنفس کنم. من می‌خواهم استقلال عمل داشته باشم و تحت سلطه نباشم.

■ **حفره آگاهی**
در انتها دکتر سیدمحمدامین قانع‌ی‌راده، رئیس انجمن جامعه‌شناسی ایران، که دبیری جلسه را نیز به عهده داشت، با تأکید بر عنوان همایش و اینکه پدیدارشناسی؛ «پژوهشی در آگاهی» است، پرسید که این حادثه، چه تصویری را از وضعیت آگاهی در جامعه به دست می‌دهد؟ او این تصویر را حیرت و شگفتی دانست، هر چند اذعان کرد عظمت جمعیت چندان نبود و مراسم نیز آرام و بدون عواطف شدید برگزار شد. به علاوه، چنین تشییع جنازه بزرگی، جدید هم نیست و پیش از انقلاب در سوگ یک شخصیت مذهبی مانند آیت‌الله بروجردی، یک ورزشکار مانند تختی و یک خواننده زن دیده شده است.

رئیس انجمن جامعه‌شناسی ایران اما بعد شگفتی را در این دانست که در حالی که عده‌ای می‌گریستند، گروهی خبر نداشتند که پاشایی که بوده است. این نمایانگر «یک حفره آگاهی» است که خود، دو شکاف را نمایانگی می‌کند. نخست میان بخش سالمند و جوان که هر چند ارزش‌های متفاوتی ندارند اما رابطه گفت‌وگو در میان‌شان قطع شده است و از طرف دیگر، شکاف سیاست‌گذاران و رسانه‌های رسمی با مردم. در نتیجه جامعه دچار «بحران آگاهی» شده و پدیده «مرگ پاشایی» این حفره را به ما نشان داد.

■ **سیاست‌زدایی و ابتذال**
اما جتجالی‌ترین بخش این همایش، سخنرانی خارج از انتظار دکتر یوسف ابادری، دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه تهران، بود که بیشتر به عنوان یک تعارف، تریبون در اختیار او قرار گرفت که در مراسم حاضر شده بود. ابادری با اشاره به مستندی که چندی پیش از تلویزیون پخش شد و مشکلات یک استان را به تصویر می‌کشید، اظهار تأسف کرد که هیچ‌کس به این فیلم کوچک‌ترین توجهی نکرد، اما فیلم فوت یک هنرمند چنین بازتاب پیدا می‌کند. او با اشاره به مفهوم «مود» در فلسفه هایدگر و پوشاندن مسائل حقیقی، به تحلیل موسیقایی پاشایی پرداخت.

او دیدی کاملاً انتقادی به موسیقی پاپ داشت و از همین منظر مباحث خود را طرح کرد. طبق گفته ابادری،



دکتر ابادری: «مراسم پاشایی به مستندی که چندی پیش از تلویزیون پخش شد و مشکلات یک استان را به تصویر می‌کشید، اظهار تأسف کرد که هیچ‌کس به این فیلم کوچک‌ترین توجهی نکرد، اما فیلم فوت یک هنرمند چنین بازتاب پیدا می‌کند

موسیقی پاپ از نوع آن چیزی که مرتضی پاشایی عرضه می‌کرد، در پایین‌ترین مرتبه هنری است و مصداق نهایت ابتذال است. ابادری، گامی فراتر نهاد و حضور فراگیر مردم در مراسم تشییع پاشایی را بشدت مورد انتقاد قرار داد و تعبیر نوهین‌آمیزی در خصوص مردم به کار برد که اعتراض مخاطبان را در پی داشت. او در مقام شبیه‌سازی تشییع پاشایی با یک خواننده مبتدل در دهه ۳۰ برآمد و چنین اتفاقی را مصداق سیاست‌زدایی از جامعه دانست. ابادری با اشاره به حضور گسترده چهره‌های ورزشی و هنری در شورای شهر، این فعل و انفعال را عاملانه و به منظور «سیاست‌زدایی» قلمداد کرد. این سخنان که بعضاً با لحنی تند نیز ادا شد، با واکنش برخی از حضار مواجه شد و جلسه را به بحث و مباحثه کشاند.

سخنان صریح و بی‌پرده ابادری، طبعاً موجی از اعتراض را میان حاضران در سالن برانگیخت تا آنجا که یکی از حضار، مبنای تحلیل ابادری را بشدت تنییر ادا شد، با واکنش برخی از حضار مواجه شد و جلسه را به بحث و مباحثه کشاند. این سخنان صریح و بی‌پرده ابادری، طبعاً موجی از اعتراض را میان حاضران در سالن برانگیخت تا آنجا که یکی از حضار، مبنای تحلیل ابادری را بشدت تنییر ادا شد، با واکنش برخی از حضار مواجه شد و جلسه را به بحث و مباحثه کشاند. این سخنان صریح و بی‌پرده ابادری، طبعاً موجی از اعتراض را میان حاضران در سالن برانگیخت تا آنجا که یکی از حضار، مبنای تحلیل ابادری را بشدت تنییر ادا شد، با واکنش برخی از حضار مواجه شد و جلسه را به بحث و مباحثه کشاند.



پدیدارشناسی یک مرگ در نشست جامعه‌شناسان ایرانی

بغض کارناوالی

سیدامین موسوی‌زاده

بزرگان جامعه‌شناسی کشور روز ۱۸ آذرماه در تالار این‌خلدون دانشگاه تهران به همت انجمن جامعه‌شناسی ایران گرد آمدند. بهانه این همنشینی مرگ یک چهره عرصه موسیقی بود؛ «بررسی و تحلیل پدیده درگذشت مرتضی پاشایی» هنرمند موسیقی پاپ که چندی پیش بر اثر سرطان درگذشت و مراسم تشییع او به یک شگفتی بدل شد. در این نشست چهار ساعته، دکتر حمیدرضا جلائی‌پور، دکتر محمدسعید ذکایی، دکتر محمودشهبازی، دکتر نعمت‌الله فاضلی، دکتر سید محمدامین قانع‌ی‌راده، دکتر مهدی منتظر قائم و همچنین دکتر یوسف ابادری به سخنرانی پرداختند. همایش با پریده فیلمی از مراسم خاکسپاری مرتضی پاشایی آغاز شد و سپس قانع‌ی‌راده به عنوان دبیر، رنگ آغاز همایش را به صدا در آورد. اما نشست که می‌توانست همچون هر هم‌اندیشی دیگری با طعم تحلیل‌های متعارف پیش برود و به پایان برسد، به واسطه سخنان عریان و توفانی دکتر ابادری به یک «حادثه» در عرصه مطالعات اجتماعی ما بدل شد. شاید سخن ابادری را پیش از او هم کسانی گفته بودند اما هیچ‌کج جسارت طرح عریان و صریح آن را نداشتند. اکنون گزیده سخنان حاضران این نشست را بخوانید.



دکتر شهبازی: حضور در پاشایی دهه شصتی‌ها کم‌هزینه‌ترین تخطی کارناوالی به شما می‌اند؛ هر چند که در تمام این تخطی‌ها سلسله‌مراتب فرهنگی وارونه می‌شود و امور به ظاهر متعارض در کنار هم قرار می‌گیرند و نوعی بازگردانی را اضا‌دارا شاهد هستیم



دکتر ذکایی: مخاطبان مراسم «پدیده» نبود، بزرگ‌ترین تجمع پاشایی ۶۰ هزار نفر بوده است و از این لحاظ هر چند اهمیت دارد، اما استثنا نیست مهم‌ترین ویژگی این نسل رجوع به سیاست زندگی و فرا ملی و گریز از سیاست فردگرا و جمع‌گرا و همچنین بازگشت به بازتعریف هویت است



دکتر منتظر قائم: این مراسم «پدیده» نبود، بزرگ‌ترین تجمع پاشایی ۶۰ هزار نفر بوده است و از این لحاظ هر چند اهمیت دارد، اما استثنا نیست مهم‌ترین ویژگی این نسل رجوع به سیاست زندگی و فرا ملی و گریز از سیاست فردگرا و جمع‌گرا و همچنین بازگشت به بازتعریف هویت است



دکتر فاضلی: «حیات ذهنی‌رجمه‌کالاشهری» عناصر مختلفی دارد مانند فروپاشی هویت‌های جمعی تاریخی، تنهایی انسان، و نیاز به شکل تازه‌ای از معاشرت‌پذیری و تعامل سیال که هم ما را از تنها بودن محض نجات دهد و هم شهروندی ما را توان آن را از حالت خود یک فردگرایی جدید است.



دکتر جلائی‌پور: با تغییرات اجتماعی فراگیر روبه‌رویم اما پاسخ متوازی به آنها داده نمی‌شود که گاهی چنین اجتماعی پیدا می‌کند. دوم اینکه پاشایی ستاره پاپ بود و از این واقعه باید به این نتیجه عینی رسیده باشیم که موسیقی پاپ مصروفه دارد. سوم اینکه او هم در صدا و سیما مطرح شده و هم اینکه نسبت به کلیشه‌های رسمی زاویه دارد. او همانند مه‌ران مدیری در طنز و فردوسی‌پور در ورزش روستی دوگانه دارد. عامل چهارم اینکه خصوصیات فردی او با خصوصیات مردمی که جمع شده بودند تناسب داشت. یکی از علت‌های تمام‌کننده این بود که در مراسم تشییع جنازه او رسانه‌های ترکیبی یعنی صدا و سیما و شبکه‌های اجتماعی هم‌افزایی کردند. علت دیگر این بود که لذت حضور در جمع‌های بزرگ و برای جوانان در جامعه وجود ندارد و عزاداری پاشایی یک فرصت برای این جوانان بوده. بنده جلائی‌پور این جنبش‌ها از میان‌رفتنی نیست بلکه با حکمرانی خوب و جامعه مدنی و رعایت حقوق شهروندی می‌توان آن را از حالت غیرقابل‌پیش‌بینی خارج کرد.



دکتر قانع‌ی‌راده: در حالی که عده‌ای می‌گریستند، گروهی خبر نداشتند که پاشایی که بوده است. این نما پانگتر «یک حفره آگاهی» است که خود، دو شکاف را نمایانگی می‌کند. نخست میان پخش سالمند و جوان و از طرف دیگر، شکاف سیاست‌گذاران و رسانه‌های رسمی با مردم

او در انتها تأکید کرد که از سال ۷۶ تاکنون هیچ اتفاق مهمی نیفتاده که جامعه‌شناسان از پیش نگفته باشند اما گوش شنوایی وجود ندارد؛ بنابراین اگر نمی‌خواهند بشنوند، باید ببینند. ■ **نوقبيله‌ها و درام‌های اجتماعی**
پس از جلائی‌پور، نوبت به سخنرانی دکتر محمدسعید ذکایی رسید. عضو هیأت علمی دانشگاه علامه با برشمردن حجمی انبوه از مفاهیم جامعه‌شناسی و مطالعات فرهنگی و روانشناسی و به قول نعمت‌الله فاضلی تمام زرادخانه علوم اجتماعی، نگاه خود را با سیاست‌های هویت و سبک‌زندگی بست‌مردن هم‌راستا دانست. در فهم این فرآیند، موسیقی و جایگاه عمومی موسیقی عامه‌پسند در فرهنگ جوانان مهم است. مخاطبان پاشایی دهه شصتی‌ها و دهه هفتادها را بودند. ویژگی‌های این نسل علاقه به اسطوره، علاقه به دیده‌شدن، گاه علاقه به کار تیمی، علاقه به پاسخ سریع، عدم اعتقاد به سماندهی و همچنین سرگردانی را می‌توان نام برد. از نظر ذکایی، آگاهی اخلاقی مشترک می‌تواند «نوقبيله‌ها» را تولید کند و در این دوره که ماهیت پیوندهای جمعی جوانان عوض شده و ارتباطات سریع و کم‌هزینه شده است، فردگرایی به جای امتیزه شدن، در احساسات و تجربه‌های جمعی بروز دارد که خود یک فردگرایی جدید است و فرد را در جماعتی می‌جوید که مثل خود می‌اندیشند. در تشییع آگاهی بهانه آندوه بود اما چنین دال‌هایی فی‌نفسه فقط محرک برای بروز احساسات جمعی است که حتی سوز را نیز

غافلگیر می‌کند. این گونه درام‌ها و نمایش‌های اجتماعی گسست از سطح حیات عادی اجتماع برای رسیدن به نظم و نگاه تازه است که نیروی آن در تجربه با هم بودن و با هم ساختن و با هم آزمون است. او در انتها این پدیده را یک «اجتماع‌گرایی بست‌مردن» و مشارکت اظهاری دانست که زمینه‌ساز بروز احساسات جمعی و سیاست معطوف به زندگی بوده است. ■ **تخطی‌های کارناوالی**
پس از دکتر ذکایی، عضو دیگر دانشگاه علامه، دکتر محمود شهبازی، جامعه‌شناس، به سخنرانی پرداخت. او این پدیده را مصداقی از «تخطی‌های کارناوالی» دانست و برخلاف ذکایی معتقد بود که این مراسم لزوماً همه طبقات را به یکسان در بر نگرفت و بیشتر طبقات متوسط به بالا درگیر آن شدند. تخطی‌های کارناوالی گاه فردی و منفعلانه است و گاه جمعی و اختصاصی مانند پدیده پاشایی و گاه عمومی مانند انتخابات و شادی‌های صعود به جام جهانی و ولنتاین. گاهی نیز به صورت بسیار کوچک اما به علاوه عناصر جهان‌وطن رخ می‌دهد مانند گروه «هی» در ایران.

از نظر شهبازی حضور در مراسم پاشایی به داللی که جلائی‌پور نیز به آن اشاره کرد کم‌هزینه‌ترین تخطی کارناوالی به شمار می‌آید؛ هر چند در تمام این تخطی‌ها سلسله‌مراتب فرهنگی وارونه می‌شود و امر مقدس و غیرمقدس در کنار هم قرار می‌گیرند و نوعی از همنشینی اضا‌دارا شاهد هستیم. ■ **سه پاشایی، سه تفسیر، سه فرهنگ**
پس از سخنان دکتر شهبازی، بخش نخست همایش به پایان رسید و بخش دوم آن پس از وقفه‌ای کوتاه با سخنرانی دکتر نعمت‌الله فاضلی، عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، آغاز شد. دکتر فاضلی در آغاز «سه پاشایی» را از هم متمایز کرد، نگاشت؛ او که از

خواند و درگذشت و عنصری از فرهنگ موسیقایی عامه‌پسند بود، دوم؛ او که آواز خواند و تشییع شد که امری اجتماعی و فرهنگی است، و سوم؛ او که تشییع شد و تفسیر شد. فاضلی سخن خود را درباره پاشایی سوم دانست که به دلالت و نمادی سیاسی تبدیل شده است. آنچه مهم است و تداوم دارد، بازنمایی‌ها و تفسیر آن مراسم است که خود سه گروه با سه پارادایم هستند. دسته نخست پارادایم سنتی محافظه‌کار که می‌کوشد به کمک بازنمایی جدید نوعی بازتولید سنت را تعریف کند و خوانش غیرانتقادی و متعارف و معمول از آن ارائه کند. این تفسیر با اشاره به نشانه‌های ملی مذهبی بودن پاشایی، الگوی جوان ناکام، ملّاح بودن پدر، زمان فوت در محرم، عاطفی بودن جامعه، انتشار فیلم‌های لحظه درگذشت و بیماری پاشایی تاش کرد، آن را امری طبیعی و واکنشی طبیعی از سوی جامعه‌ای اخلاقی و ارزشی قلمداد کند که با خانواده او هم‌دری کرده‌اند. دسته دوم مانند نگاه دکتر جلائی‌پور انتقادی است و این پدیده را با بیان‌ها و دلالت‌های مختلف در نسبت با گفتمان‌های حاکمیت و قدرت تفسیر می‌کنند.

او با این سؤال از گروه اول انتقاد کرد که اگر این پدیده امری طبیعی بود، چرا در موارد مشابه رخ نداده است و همچنین چرا رسانه‌های رسمی و غیر رسمی تا این اندازه به آن پرداخته‌اند؟ همچنین با این جمله دسته دوم را به نقد کشید که نظریه جنبش‌های اجتماعی آشکارا باطل است چرا که

همه جنبش‌های اجتماعی آرمان دارند اما «جنبش پاشایی» فاقد چنین «دال مرکزی» است. او سپس تحلیل خود را در پاسخ به این دو تفسیر ارائه کرد و آن را تا حدی ناظر به اسطوره، علاقه به دیده‌شدن، گاه علاقه به کار تیمی، علاقه به پاسخ سریع، عدم اعتقاد به ساماندهی و همچنین سرگردانی را اضا‌دارا شاهد هستیم

همه جنبش‌های اجتماعی آرمان دارند اما «جنبش پاشایی» فاقد چنین «دال مرکزی» است. او سپس تحلیل خود را در پاسخ به این دو تفسیر ارائه کرد و آن را تا حدی ناظر به اسطوره، علاقه به دیده‌شدن، گاه علاقه به کار تیمی، علاقه به پاسخ سریع، عدم اعتقاد به ساماندهی و همچنین سرگردانی را اضا‌دارا شاهد هستیم